

الدّرس الأوّل: «إِسْمُ التَّفْضِيلِ وَإِسْمُ الْمَكَانِ»

***إِسْمُ تَفْضِيلٍ: به اسمی که برتری شخص ویا شیء نسبت به شخص یا شیء دیگر را بیان می کند «إِسْمُ تَفْضِيلِ» می گویند.

- إِسْمُ تَفْضِيلِ در زبان فارسی معادل «صفت برتر و یا صفت برترین» است. **مثال:**

- کبیر: بزرگ اکبر: بزرگتر، بزرگترین حَسَن: خوب أَحْسَن: نیکوتر، نیکوترین جمیل: زیبا أَجْمَل: زیباتر، زیباترین

- خِدْمَةُ النَّاسِ مِنْ أَفْضَلِ الْأَعْمَالِ: (خدمت کردن به مردم از بهترین کارهاست)

- جَبَلٌ دِمَاوَنْدٌ أَعْلَى مِنْ جَبَلِ دِنَا: (کوه دماوند بلندتر از کوه دناست).

← مذکر بر وزن «أَفْعَل» **مثال:** أكبر، أصغر، أحسن

«مهمترین وزنه‌های اسم تفضیل:»

← مؤنث بر وزن «فُعَلَى» می آید: **مثال:** كُبْرَى، صُغْرَى، حُسْنَى

«نکات ترجمه اسم تفضیل»

نکته ۱ - اسم تفضیل هر گاه به همراه حرف جز «من» بیاید به صورت «تر» ترجمه می شود. **مثال:**

سَعِيدٌ أَكْبَرُ مِنْ مَرْيَمَ: سعید از مریم بزرگتر است.

نکته ۲ - اسم تفضیل هر گاه مضاف واقع شود به صورت «ترین» ترجمه می شود. **مثال:**

سَعِيدٌ أَفْضَلُ التَّلَامِيذِ فِي صَفْنَا: سعید برترین دانش آموز در کلاس ماست.

نکته: غالباً جمع اسم تفضیل بر وزن «أَفْعَالِ» می آید.

مثال: أكبر أكابر أعظم أعظم أقرب أقارب

نکته: گاهی اسم تفضیل با وزنه‌های «أَقَلَّ» (لام الفعل تشدید دار) و «أَفْعَى» «به کار می رود. **مثال:**

أَضَلَّ - أَقَلَّ - أَعَزَّ - أَهَمَّ - أَحَبَّ -أَعْلَى - أَبْقَى - أَخْفَى - أَفْصَى - أَدْنَى - أَزْكَى

« توضیحات تکمیلی افعال تفضیل »

← (۱) هرگاه با حرف جرّ « مِنْ » بیاید به صورت مفرد مذکر به کار می رود. **مثال:** سَعِيدٌ أَحْسَنُ مِنْ عَلِيٍّ خُلُقًا.

← (۲) برای مقایسه بین « دو اسم مؤنث » معمولاً به صورت مفرد مذکر به کار می رود. **مثال:** فَاطِمَةُ أَكْبَرُ مِنْ زَيْنَبَ /

← (۳) چنانچه با « ال » بیاید از نظر (تعداد و جنس) با کلمه ماقبل خود مطابقت می کند. **مثال:** الرَّجُلَانِ الْأَفْضَلَانِ / الْمَرْأَتَانِ الْفَضْلَتَانِ /

الرجل الأفضل / زينب الكبرى

← (۴) هرگاه به یک اسم معرفه اضافه شده باشد مطابقت و یا عدم مطابقت جایز است. **مثال:** أَنْتِ فَضْلِي الْكَاتِبَاتِ. أَنْتِ أَفْضَلُ الْكَاتِبَاتِ /

أنتم أفضل الكتاب . أنتم أفضل الكتاب /

← (۵) هرگاه به اسم نکره اضافه شود به صورت مفرد مذکر به کار می رود. **مثال:** أَنْتَ أَفْضَلُ طَالِبٍ / أَنْتِ أَفْضَلُ طَالِبٍ / أَنْتُمْ أَفْضَلُ طَالِبٍ / أَنْتُنَّ أَفْضَلُ طَالِبٍ.

نکته مهم: اسامی رنگها و عیبها اسم تفضیل محسوب نمی شوند. **مثال:** أحر حمراء: قرمز / أخضر خضراء: سبز / أصفر صفراء: زرد

أبكم بكماء: لال / أعمى عمياء: نابینا / أصمّ صمّاء: کر / أحمق حمقاء: آحمق / أعوج عوجاء: کج

تفاوت « آخِرَ با آخِرِ »

(۱) کلمه ی « آخِرَ » اسم تفضیل است چون در اصل «الْآخِرَ» بوزن أفعَل بوده است مؤنث آن می شود «أخِری» به معنای دیگری و جمعش آخِرُونَ و آخِرِينَ = دیگران،

«آخِرَ» و «أخِری» هیچگاه تنوین نمی گیرند. **مانند:** أشعلت عوداً آخِرَ،

(۲) اما « آخِرِ » اسم فاعل است و می تواند تنوین بگیرد که مؤنث آن « آخِرَةُ » است. و به معنای پایان و جمعش = آخِرُونَ و آخِرِينَ به معنای آیندگان.

« توضیحات مهم در مورد دو کلمه خیر و شر: »

نکته ۱: هرگاه با حرف جرّ « مِنْ » بیاید ۱۰۰٪ اسم تفضیل است. **مثال:** الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. علم بهتر از ثروت است.

نکته ۲: هرگاه مضاف واقع شود و معنای « بهتر - بهترین » و « بدتر - بدترین » دهد (مشتق از نوع اسم تفضیل) محسوب می شوند.

شَرُّ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينَ: بدترین مردم انسان دورواست. - خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا: بهترین کارها میانه ترین آنهاست.

نکته ۳: هرگاه «ال» داشت ۱۰۰٪ اسم تفضیل نیست. **مثال:** العمل الخیر ینفعک: کار نیک به تو سود می رساند. العمل الشر یضرک: کار زشت به تو ضرر می رساند.

نکته ۴: هرگاه دو کلمه خیر و شر معنای خوبی و بدی دهد مصدر هست و اسم تفضیل محسوب نمی شود. **مثال:**

خیرک کثیر: خوبی تو بسیار است. / فمن یعمل مثقال ذره خیراً یره: هرکس ذره ای خوبی انجام دهد آن را می بیند.

خیر و شر ← + مِن
 ← + اسم
 تر: العلمُ خیرٌ من المال: علم بهتر از ثروت است.
 ترین: شرّ النَّاسِ ذُووَجْهَینِ: بدترین مردم (انسان) دو رو است.

«إِسْمُ الْمَكَانِ»

*****اسم مکان:** اسمی است که بر مکان وقوع فعل دلالت می کند.

«وزنهای اسم مکان»
 ← مَفْعَل
 ← مَفْعِل
 ← مَفْعَلَةٌ
 ← مَعْبَد ، مَكْتَب
 ← مَعْرِب ، مَسْجِد
 ← مَدْرَسَة ، مَقْبَرَة

نکته ۱- جمع «اسم مکان» بر وزن «مَفَاعِلِ» می آید: **مثال:** مسجد: مَسَاجِد / مکتب: مَكْتَب / مدرسه: مَدَارِس

نکته ۲: اسم هایی چون: مطار (فرودگاه) - مزار - مکان - ممر - مقرر - مقام - منام (خوابگاه) - منار - مجری - مأوی «اسم مکان» هستند.

توجه: دقت کنید هر کلمه ای که بر وزن «مَفَاعِلِ» بود لزوماً اسم مکان نیست، باید به مفرد آنها رجوع کرد. تا ببینیم بر مکان دلالت دارد یا نه.

کلماتی **مثل:** مَوَاعِظ ، مَشَاكِل ، مَكَارِم که مفرد آنها به ترتیب (مَوْعِظَةٌ ، مُشْكَلٌ ، مَكْرَمَةٌ) است اسم مکان محسوب نمی شوند.

تست:

۱- عین ما لیس فیهِ إسمُ المکان:

(۱) یذهبُ المُشَاهِدُونَ إِلَى مَلَاعِبِ مَدِینَتِهِمْ آخِرَ الِاسْبِوعِ ! (۲) طَبِيعَ هَذَا الْکِتَابِ فِی مَطْبَعَةِ إِحْسَانِ!

(۳) الْمُكَيِّفُ أَحْسَنُ مِنَ الْمَرْوَحَةِ فِی الصَّیْفِ الْحَارِّ ! (۴) الْمَطَامِعُ فِی بِلْدَانِنَا كَثِيرَةٌ جَدًّا! پ

۲- عین ما لیس فیهِ إسمُ التفضیل:

(۱) فَعَلِينَا أَنْ نَبْتَدِعَ الْعُجْبَ وَأَنْ لِنَذْكَرَ عُیُوبَ الْآخِرِینِ بِالْإِشَارَةِ ! (۲) قَدْ یَكُونُ بَیْنَ النَّاسِ مَنْ هُوَ أَحْسَنُ مِنَّا !

(۳) تَنْصَحُنَا الْآیَةُ الْقُرْآنِ الْأُولَى وَتَقُولُ: لَا تَعْبِیْبُوا غَیْرَکُمْ ! (۴) أَحْسِنِ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ الَّذِي أَنْفَقَ مَالَهُ فِي سَبِيلِهِ !

۳- عین کلمه خیر او شر لیست اسم تفضیل:

- (۱) تَفَكَّرَ سَاعَةً خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةٍ سَبْعِينَ سَنَةً !
 (۲) شَرَّ النَّاسِ مَنْ لايَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ !
 (۳) الْخَيْرُ فِي إِتْفَاقٍ مَا عِنْدَكَ وَالشَّرُّ فِي مُخَالَفَتِهِ !
 (۴) مَنْ غَلَبَتْ شَهْوَتُهُ عَقْلَهُ فَهُوَ شَرٌّ مِنَ الْبَهَائِمِ !

۱- پاسخ: «گزینه ۳»

گزینه ۱: ملعاب: ورزشگاه ها جمع « ملعب » اسم مکان است. گزینه ۲: مطبعة: چاپخانه اسم مکان بر وزن مفعلة است.
 گزینه ۴: مطامع (جمع مطعمه) محل غذا خوردن یا رستوران ، اسم مکان است

۲- پاسخ: «گزینه ۴» در گزینه ۴ «أحسن» فعل امر به معنی نیکی کن. أنفق: فعل ماضی از باب إفعال به معنی انفاق کرد.

بررسی گزینه ها: گزینه ۱ آخرین: اسم فاعل ، گزینه ۲ أحسن: اسم تفضیل / گزینه ۳: الأولى: اسم تفضیل مونث

۳- پاسخ: «گزینه ۳» گزینه ۳: الخیر: خوبی و الشر: بدی ، جون با «ال» آمده است اسم تفضیل نیست. و علاوه بر آن معنای تفضیل ندارد.

بررسی گزینه ها: گزینه ۱ خیر با « من » همراه است به معنای بهتر اسم تفضیل است. / گزینه ۲ شرّ به الناس اضافه شده و چون